

محور الالهيات پولس

درس
چهارم

پولس و قرتیان



THIRD MILLENNIUM
MINISTRIES

Biblical Education. For the World. For Free.

© 2019 by Third Millennium Ministries

All rights reserved. No part of this publication may be reproduced in any form or by any means for profit, except in brief quotations for the purposes of review, comment, or scholarship, without written permission from the publisher, Third Millennium Ministries, Inc., 316 Live Oaks Blvd., Casselberry, Florida 32707.

Unless otherwise indicated all Scripture quotations are from the HOLY BIBLE, NEW INTERNATIONAL VERSION. Copyright © 1973, 1978, 1984, 2011 International Bible Society. Used by Permission of Zondervan Bible Publishers.

ABOUT THIRD MILLENNIUM MINISTRIES

Founded in 1997, Third Millennium Ministries is a nonprofit Christian organization dedicated to providing **Biblical Education. For the World. For Free.** In response to the growing global need for sound, biblically-based Christian leadership training, we are building a user-friendly, donor-supported, multimedia seminary curriculum in five major languages (English, Spanish, Russian, Mandarin Chinese, and Arabic) and distributing it freely to those who need it most, primarily Christian leaders who have no access to, or cannot afford, traditional education. All lessons are written, designed, and produced in-house, and are similar in style and quality to those on the History Channel®. This unparalleled, cost-effective method for training Christian leaders has proven to be very effective throughout the world. We have won Telly Awards for outstanding video production in Education and Use of Animation, and our curriculum is currently used in more than 192 countries. Third Millennium materials take the form of DVD, print, Internet streaming, satellite television transmission, and radio and television broadcasts.

For more information about our ministry and to learn how you can get involved, please visit <http://thirdmill.org>.

سرشناسه: محور الاهیات پولس (درس شماره ۴: پولس و قرنتیان)

مدرس: ریجی کید

حق چاپ ترجمه فارسی این اثر برای انتشارات خدمات مسیحی هزاره سوم محفوظ است. هرگونه نسخه برداری، چاپ، توزیع و دخل و تصرف در این اثر بدون اجازه ناشر مطابق قانون حق مولف ممنوع و منوط به کسب اجازه رسمی از ناشر است. ارجاعات کتاب مقدسی از ترجمه قدیم و هزاره نو (انتشارات ایلام) و ترجمه مزده برای عصر جدید (انجمن متحد کتاب مقدس) گرفته شده است.

فهرست مطالب

(۱) مقدمه

(۲) پیش‌زمینه

سومین سفر بشارتی

مشکلات در قرنتس

روابط آسیب‌دیده

بدرفتاری جنسی

سوءرفتارها در پرستش

رد اقتدار رسولانی پولس

(۳) ساختار و محتوا

اول قرنتیان

تحيات

شکرگزاری

خاتمه

بدنه اصلی

دوم قرنتیان

تحيات

مقدمه

خاتمه

بدنه اصلی

(۴) دیدگاه‌های الهیاتی

ایمان

مسیح خداوند

مسیح نجات‌دهنده

امید

محبت

(۴) نتیجه‌گیری

پولس و قرنتیان

مقدمه

بسیاری از ما با «ازوپ»، داستان‌نویس یونان باستان آشنا هستیم. در یکی از داستان‌های مشهور او به نام «خرگوش و لاک‌پشت»، خرگوشی بود که مدام به خود می‌بالید که بین حیوانات، از همه سریع‌تر است. لاک‌پشت که از این همه غرور خرگوش خسته شده بود، او را به چالش یک مسابقه دو دعوت کرد. خرگوش به وضوح می‌توانست برنده این مسابقه باشد، اما از آنجا که به پیروزی خود بسیار مطمئن بود، با غروری زیاد به توانایی‌هایش، در میانه مسابقه به خواب نیم‌روز رفت. حین خواب او، لاک‌پشت از خط پایان گذشت.

از بعضی جهات، بسیاری از مسیحیانی که در قرن اول در شهر قرنتس زندگی می‌کردند، شبیه خرگوش داستان ازوپ بودند. همانطور که خرگوش پیش از پایان مسابقه، خود را برنده می‌دانست، بسیاری از مسیحیان قرنتس نیز پیش از آنکه مسابقه زندگی مسیحی‌شان به پایان رسیده باشد، خود را برنده می‌دانستند. آنها به خوشبختی زمینی و عطایای روحانی خاص خود نگاه کردند و بعد خودشان را فریب دادند تا باور کنند که خداوند آنها را از همه برتر ساخته است. آنها فکر کردند که خدا آنان را بیش از تمام مسیحیان دیگر که ثروت کمتر و عطایای کمتر جذابی داشتند برکت داده است.

این چهارمین درس ما از مجموعه «محور الاهیات پولس» است و ما آن را «پولس و قرنتیان» نامیدیم. در این درس خواهیم دید که پولس چگونه این مسیحیان مغرور را در نامه‌های خود که امروزه به نام اول و دوم قرنتیان می‌شناسیم، مخاطب قرار داد. اگرچه مشکلات مشخص زیادی وجود داشتند که پولس باید به آنها رسیدگی می‌کرد، اما او در این نامه‌ها، توجه خود را بر منبع اصلی مشکلات آنها متمرکز می‌کند: یعنی این باور غلط که بعضی از آنان از خط پایان زندگی مسیحی گذشته بودند؛ در حالیکه در حقیقت، مسابقه همچنان ادامه داشت.

مطالعه ما درباره پولس و قرنتیان به سه بخش تقسیم می‌شود. نخست، ابتدا به پیش‌زمینه نامه‌های پولس به قرنتیان نگاهی می‌اندازیم. دوم، ساختار و محتوای اول و دوم قرنتیان را بررسی خواهیم کرد. و سوم، خواهیم دید که چطور نامه‌های پولس یکی از دیدگاه‌های محوری الاهیاتی او، که آموزه روزهای آخر، یا آخرت‌شناسی او بود را آشکار کردند. بیایید ابتدا به پیش‌زمینه نامه‌های پولس به قرنتیان نگاه کنیم.

پیش‌زمینه

همانطور که در سراسر این مجموعه دروس تاکید کردیم، پولس رسول نامه‌های خود را برای رسیدگی به مشکلات خاصی نوشت که در کلیساهای مختلف به وجود آمده بودند. بنابراین، وقتی که به اول و دوم قرنتیان نگاه می‌کنیم، باید چند سوال اساسی بپرسیم: در کلیسای قرنتس چه خبر بود؟ چرا پولس به آنان نامه نوشت؟ ما از دو راه به این سوالات پاسخ خواهیم داد: نخست، کنکاشی در سومین سفر بشارتی پولس خواهیم داشت، و دوم، بعضی از مشکلات خاصی که در کلیسای قرنتس به وجود آمده بود را بررسی خواهیم کرد. بیایید ابتدا به سومین سفر بشارتی پولس نگاهی کنیم.

سومین سفر بشارتی

سومین سفر بشارتی پولس در کتاب اعمال رسولان ۱۸: ۲۳ تا ۲۱: ۱۷ ثبت شده است. در این فصول می‌آموزیم که پولس غالباً همان مسیر سفر دوم خود را تکرار کرد. او این سفر را در حدود سال ۵۲ یا ۵۳ میلادی آغاز کرد. مانند دو سفر بشارتی قبلی، ابتدای سفر از انطاکیه سوریه بود. در کتاب اعمال رسولان می‌آموزیم که او ایمانداران را در سرتاسر غلاطیه و پرجه تقویت کرد. از شهرهایی که در این نواحی از آنها دیدار کرد، اطلاعی نداریم. احتمالاً، از بعضی از شهرهایی که پیش‌تر در آنها خدمت کرده بود، مثل دربه، لستره، و ایقونیه در غلاطیه، و احتمالاً انطاکیه در ناحیه پرجه دیدار کرد. پولس با گذر از غلاطیه و پرجه، به شهر ساحلی افسس در استان آسیا، یا آسیای صغیر رسید.

به محض رسیدن به افسس، با دوازده نفر از شاگردان یحیای تعمیردهنده برخورد کرد که خیلی زود به انجیل مسیح ایمان آوردند. پولس در ابتدا، در کنیسه بشارت می‌داد، اما بعد از حدود سه ماه، یهودیان نسبت به پیام او سخت شدند. به همین دلیل، دو سال بعد از آن را به موعظه انجیل و انجام معجزات در بخش دیگری از شهر پرداخت.

در نهایت اما، پولس و همراهانش درگیر اختلاف با صنعتگرانی شدند که تمثال‌های آرتیمیس، الاله نهبان افسس را می‌ساختند. از قرار معلوم، پولس افراد زیادی را به سوی مسیح جلب کرده بود و این، بازار بت‌ها را به شکل قابل ملاحظه‌ای تحت تاثیر قرار داده بود. در نتیجه، صنعتگران با ایجاد آشوب، تهدیدی برای امنیت برخی از همکاران پولس شدند.

پس از این واقعه، پولس و همسرانش، چند ماه را در مکادونیه و اخائیه گذراندند که امروزه این نواحی در یونان قرار دارند. گزارش لوقا از این قسمت سفر پولس اندک است، اما با این وجود او اشاره می‌کند که آنها بازگشت به آسیا را از شهر فیلیپی آغاز کردند. پولس و همراهانش به تروآس آمدند. از آنجا که او می‌خواست فقط یک روز در

تروآس بماند، ایمانداران را جمع کرد و تا پاسی از نیمه شب برای آنها صحبت کرد. در خلال صحبت‌های پولس، جوانی به نام افتیخوس به خواب رفت و از پنجره پایین افتاد و مُرد. اما پولس با معجزه‌ای او را زنده کرد. پولس و همراهانش با ترک تروآس، دوباره از طریق دریا به شهر همسایه آن، آسوس رفتند. در میتیلینی، خیوس، و ساموس توقف کردند و سرانجام نیز به میلیتوس رسیدند و مدت کوتاهی در آنجا ماندند. وقتی در میلیتوس بودند، پولس به دنبال راهبران کلیسای افسس فرستاد که شهری نزدیک بود. او آنها را در میلیتوس جمع کرد تا پیش از جدایی، به آنان تعلیماتی داده و نیز برکت‌شان بدهد.

پس از این، آنها دوباره سفر را از راه دریا ادامه دادند. با عبور از کوس، رودس، پاتارا، و قبرس به صور رسیدند و یک هفته در آنجا ماندند. از آنجا و از راه دریا، به پتولامائیس و بعد به قیصریه رفتند. در آنجا بود که نبی‌ای به نام آگابوس از یهودیه، به پولس هشدار داد که در اورشلیم دستگیر خواهد شد و آنچه پولس از پیش می‌دانست را تایید کرد. اما پولس بدون آنکه از نبوت آگابوس یا استدلال‌های دوستانش دلسرد شود، سفر خود را به سوی اورشلیم ادامه داد و در حدود سال ۵۷ میلادی، سفر او در آنجا به پایان رسید.

پولس دو نامه کائنی خود به قرنتیان را در خلال همین سومین سفر بشارتی نوشت. دو نامه دیگر نیز وجود داشتند که از بین رفته‌اند. اول قرنتیان احتمالاً از افسس و در سال ۵۵ میلادی نوشته شد. اندکی بعد از ارسال این نامه، پولس دیدار کوتاهی از قرنتس داشت و در همین زمان بود که یکی از اعضای کلیسا به شدت او را ناراحت کرد. در پی این دیدار، او نامه‌ای نوشت که مفقود شده و گاهی «رساله محزون» نامیده می‌شود. بعداً، پس از دریافت گزارشی از تیتوس درباره استقبال از رساله محزون، پولس دوم قرنتیان را احتمالاً از مکادونیه، و به احتمال زیاد حدود یک سال بعد از اول قرنتیان نوشت.

حال که دیدیم چطور رسالات پولس به قرنتیان در زمینه سومین سفر بشارتی او جای می‌گیرد، باید به بعضی از مشکلات خاص کلیسای قرنتس نگاه کنیم. چه مشکلی آنها را پریشان کرده بود؟ چرا پولس مجبور بود چندین بار به آنها نامه بنویسد؟

مشکلات در قرنتس

همانطور که در اعمال رسولان باب ۱۸ می‌خوانیم، پولس کلیسای قرنتس را طی یک سفر بشارتی پیشین تاسیس کرده بود و حداقل یک سال و نیم در آن زمان آنجا زندگی کرد. اما بعد از اینکه پولس آنجا را ترک کرد، مسیحیان قرنتس برخی از تعلیمات او را فراموش کردند و بعضی دیگر از تعالیم را نیز اشتباه به کار بردند. در نتیجه، کشمکش‌ها و مشکلاتی جدی در کلیسا به وجود آمد.

همانطور که خواهیم دید، بسیاری از مشکلات کلیسای قرنتس ریشه در یک کج‌فهمی از آخرت‌شناسی داشت؛ اینکه مسیح چقدر از عصر آینده، عصر نجات و حیات را محقق کرده بود. بسیاری از قرنتیان باور داشتند که

آنها در حقیقت بیش از دیگران برکات آینده را دریافت کرده‌اند؛ آنها گمان می‌کردند که هم‌اینک برکات نهایی خدا را دریافت کرده‌اند.

در راستای اهداف این درس، خواهیم دید که چطور این کج‌فهمی منجر به چهار مشکل بارز شد: نخست، روابط آسیب‌دیده در کلیسا؛ دوم، بدرفتاری جنسی؛ سوم، سوءرفتارها در پرستش؛ و چهارم، رد اقتدار رسولانی پولس. بیایید ابتدا به مشکل روابط آسیب‌دیده بپردازیم.

روابط آسیب‌دیده

پولس در نامه‌های خود به قرنتیان، چندین مورد از روابط آسیب‌دیده پرداخت که شامل مواردی مانند دسته‌بندی‌ها در کلیسا، اقامه دعا بین ایمانداران در دادگاه‌ها، عدم توجه به فقرا، و قصور در خدمت به فقیران اورشلیم می‌شد. بیایید نخست به مشکل دسته‌بندی‌ها نگاه کنیم.

پیش از نگارش اول قرنتیان، پولس گزارشی دریافت کرد مبنی بر اینکه ایمانداران در قرنتس با تکیه بر اهمیت و شهرت معلمی که از او تعلیم گرفته‌اند، علیه یکدیگر جبهه گرفته بودند. گوش کنید پولس چطور طرز برخورد آنها را در اول قرنتیان ۱: ۱۲ شرح می‌دهد:

یکی از شما می‌گوید، «من به پولس تعلق دارم»؛ دیگری می‌گوید، «من متعلق به آپولس هستم»؛ یکی می‌گوید، «من به کیفا تعلق دارم»؛ و دیگری، که «من از آن مسیح هستم» (اول قرنتیان ۱: ۱۲).

پولس از مسئله کوچکی که باعث جدایی این ایمانداران شده بود، در شگفت بود. به هر حال پولس، آپولس، پطرس و عیسی همگی یک چیز را تعلیم داده بودند؛ اینکه عیسی برتر بود و رسولان و معلمین مثل پطرس، پولس و آپولس خدمت‌گزاران او بودند. آنها در پی بنای مکاتب رقیب فکری نبودند، بلکه کلیسای عیسی را بنا می‌کردند. همانطور که پولس در اول قرنتیان ۳: ۵ و ۱۱ نوشت:

مگر آپولس کیست؟ پولس کیست؟ آنان فقط خادمانی هستند که خدا به هر کدام وظیفه‌ای سپرده تا شما به واسطه ایشان ایمان آورید... زیرا هیچکس نمی‌تواند جز آن پی که نهاده شده است، پی دیگری بگذارد، و آن پی همانا خود عیسی مسیح است (اول قرنتیان ۳: ۵، ۱۱).

پطرس، پولس، آپولس و دیگر رهبران انسانی در همه چیز مطیع عیسی بودند. آنها فقط وظیفه‌ای را انجام دادند که عیسی به آنها سپرده بود، و آن موعظه انجیل و بنای کلیسای او بود.

متأسفانه، جدایی در کلیسا تنها یک جدایی ساده بر پایه نظام فکری نبود؛ بلکه مسیحیان در قرنتس علیه یکدیگر در دادگاهها اقامه دعوا می‌کردند. گوش کنید پولس چطور این موضوع را در اول قرنتیان ۶: ۷-۸ شرح می‌دهد:

وجود چنین مراغه‌هایی میان شما، خود شکستی برای شماست. چرا ترجیح نمی‌دهید مظلوم واقع شوید؟ چرا حاضر نیستید زیان ببینید؟ بر عکس، خود ظلم می‌کنید و به دیگری زیان می‌رسانید، آن هم به برادران خود (اول قرنتیان ۶: ۷-۸).

این فقدان علاقه نسبت به یکدیگر در رفتار سوء آنها نسبت به فقرا در شام خداوند نیز مشهود بود. پولس این رفتار را در اول قرنتیان ۱۱: ۲۱-۲۲ سرزنش کرد:

هنگام صرف غذا، هر یک از شما بی‌آنکه منتظر دیگران باشد، شام خودش را می‌خورد، به گونه‌ای که یکی گرسنه می‌ماند، در حالیکه دیگری مست می‌شود. آیا خانه‌ها برای خوردن و نوشیدن ندارید؟ یا اینکه کلیسای خدا را خوار می‌شمارید و اشخاص بی‌چیز را شرمسار می‌سازید؟ به شما چه بگویم؟ (اول قرنتیان ۱۱: ۲۱-۲۲).

این خودخواهی، همچنین منجر به چهارمین شکل از روابط آسیب‌دیده شد: قصور در جمع‌آوری کمک‌های مالی‌ای که قول آن را به نیازمندان اورشلیم داده بودند. پولس آنها را حتی پیش از آنکه رساله اول قرنتیان را بنویسد به انجام این کار ترغیب کرده بود. اما زمانی که رساله دوم قرنتیان را به آنها نوشت، هنوز این کار را انجام نداده بودند. به نصایح پولس به آنان در مورد این موضوع در دوم قرنتیان ۸: ۱۰-۱۱ گوش کنید:

سال گذشته شما نه تنها در انجام این کار خیر، بلکه در ابراز اشتیاق به انجام آن نیز پیشقدم بودید. پس اکنون کار خود را به کمال رسانید، تا اشتیاق‌تان به این کار، انجام کامل آن را نیز به فراخور توان مالی‌تان در پی داشته باشد (دوم قرنتیان ۸: ۱۰-۱۱).

پولس آنان را به ابراز اشتیاق برای کمک به نیازمندان در اورشلیم ترغیب کرد، اما مجبور بود در تمام باب‌های ۸ و ۹ دوم قرنتیان موضوع را دوباره مطرح کند تا آنان به وعده‌ای که داده بودند عمل کنند.

بدرفتاری جنسی

علاوه بر روابط آسیب‌دیده، چندین مشکل جنسی مختلف نیز در کلیسای قرنتس وجود داشت. به نظر می‌آید که بسیاری از قرنتیان باور داشتند که چون عیسی آمده بود، مسائل جنسی دیگر مهم نبودند. از این نگرش، دو رویکرد مختلف به مسائل جنسی به وجود آمد. از یک سو، ظاهراً عده‌ای در کلیسا دیدگاه مجوز در مسائل جنسی را پذیرفته بودند. این باعث مشکلات متعددی، احتمالاً شامل همجنسگرایی و فحشا شده بود. اما پولس با صراحت به یک مشکل اشاره کرد: یک مرد با مادرخوانده خود رابطه داشت. گوش کنید پولس چطور این موضوع را در اول قرنتیان ۵: ۱-۲ مورد مواخذہ قرار می‌دهد:

به واقع خبر رسیده که در میان شما بی‌عفتی هست، آن هم به گونه‌ای که حتی در میان بت‌پرستان نیز پذیرفته نیست. شنیده‌ام مردی با نامادری خود رابطه دارد... (اول قرنتیان ۵: ۱-۲).

در این متن، لغت یونانی اکو (echo)، داشتن ترجمه شده که به معنای «هم‌زیستی جنسی» است. قرنتیان آنقدر در الاهیات خود سردرگم بودند که در حقیقت، به مدارا نسبت به رابطه جنسی این مرد با مادرخوانده‌اش افتخار می‌کردند. از طرف دیگر، بعضی ایمانداران قرنتس با افراط در سوی مقابل، از روابط جنسی حتی در ازدواج نیز پرهیز می‌کردند. پولس این دیدگاه را نیز توبیخ کرد، چون تعهدات ازدواج را لغو می‌کرد و هر دو طرف را در معرض وسوسه‌های جنسی قرار می‌داد. همانطور که پولس در اول قرنتیان ۷: ۲-۵ نوشت:

هر مردی با زن خود را داشته باشد، و هر زنی شوهر خود را. مرد باید دین خود را نسبت به زنش ادا کند و زن نیز دین خود را نسبت به شوهرش.. یکدیگر را محروم نکنید، مگر با رضای یکدیگر و برای مدتی... سپس باز به یکدیگر بپیوندید، مبادا شیطان شما را به سبب ناخویشتنداری در وسوسه اندازد (اول قرنتیان ۷: ۲-۵).

کلمه یونانی اکو در این متن نیز به چشم می‌خورد و «داشتن» در جمله «هر مردی باید زن خود را داشته باشد» ترجمه شده است. همانطور که پیش‌تر دیدیم، در چنین متونی اکو به معنای «هم‌زیستی جنسی» است. پولس به زوج‌ها نصیحت می‌کند تا روابط جنسی صحیح و مستمر را حفظ کنند تا هم عهد ازدواج‌شان را تحقق بخشیده باشند و هم خود را از وسوسه‌های جنسی دور نگه دارند.

سوء رفتارها در پرستش

سومین مشکل عمده در کلیسای قرتیان، سوء رفتار در پرستش بود. دیدیم که یکی از آنها، سوء رفتار نسبت به فقرا در زمان شام خداوند بود. فرای این، مسائل دیگری نیز با توجه به سه مشکل دیگر مطرح شدند: نقش‌های جنسیتی، استفاده از عطایای روحانی، و گوشت قربانی برای بت‌ها.

در وهله اول، پولس نگران نحوه شرکت مردان و زنان در پرستش جمعی بود. یکی از موارد اصلاحی او مربوط به استفاده از پوشش سر در زمان دعا بود. او در اول قرتیان ۱۱: ۴-۵ نوشت:

هر مردی که سر پوشیده دعا یا نبوت کند، سر خود را بی‌حرمت کرده است. و هر زنی که سر نپوشیده دعا یا نبوت کند، سر خود را بی‌حرمت کرده است (اول قرتیان ۱۱: ۴-۵).

محققین در این باره اختلاف نظر دارند که آیا پولس در مورد شال‌های مخصوص دعا یا حجاب صحبت می‌کند و یا نحوه آرایش مو. همچنین، در مورد ماهیت «سر» که بی‌حرمت می‌شود نیز اختلاف نظر وجود دارد. برخی عقیده دارند که «سر» اشاره به عضو بدن دارد، و برخی دیگر بر این باور هستند که سر مرد، مسیح و سر زن، مرد است. اما فارغ از معنای این اصطلاحات، مشکل اساسی واضح است: مردان و زنان، در پرستش رفتاری غیرمحترمانه داشتند و بخشی از آن به دلیل کم‌رنگ کردن تفاوت‌های جنسیتی بود.

در وهله دوم، پولس همچنین به استفاده از عطایای روحانی در پرستش رسیدگی کرد. از قرار معلوم، ایمانداران زیادی در قرتس دارای عطایای نشانه‌ای مثل زبان‌ها و نبوت بودند و اغلب در پرستش از آنها استفاده می‌کردند که باعث بی‌نظمی می‌شد. پولس در اول قرتیان ۱۴: ۲۶-۳۳ اینطور به این موضوع اشاره می‌کند:

هر کس سرودی، تعلیمی، مکاشفه‌ای، زبانی و یا ترجمه‌ای دارد... اگر کسی به زبان غیر سخن بگوید، دو یا حداکثر سه تن، آن هم به نوبت سخن بگویند و کسی نیز ترجمه کند... دو یا سه تن نبوت کنند و دیگران گفتار آنها را بسنجند. و اگر فردی دیگر که در آنجا نشسته مکاشفه‌ای دریافت کند، فرد نخست سکوت اختیار نماید... زیرا خدا، نه خدای بی‌نظمی، بلکه خدای صلح و آرامش است (اول قرتیان ۱۴: ۲۶-۳۳).

از سخنان پولس در اینجا چنین به نظر می‌آید که جلسات پرستشی در قرتس، به خاطر صحبت همزمان چندین نفر، به هم ریخته و بی‌نظم بودند. پولس تاکید می‌کند که تا زمانی که ایمانداران به یکدیگر گوش ندهند و حق تقدم برای همدیگر قائل نباشند، از کلامی که روح به آنان می‌بخشد نفعی نخواهند برد.

در وهلهٔ سوم، باید به مشکل گوشت قربانی برای بت‌ها اشاره کنیم. در دنیای باستان، قسمت عمدۀ گوشتی که در بازار فروخته می‌شد، گوشتی بود که پیشتر برای یک بت قربانی یا تقدیم شده بود، و می‌شد خوراک‌ها را مستقیماً از معابد بت‌پرستی تهیه کرد. پولس تأکید داشت که اعمال پرستشی بت‌پرستانه، گوشت را آلوده نمی‌کند، و مسیحیان تا وقتی که به عنوان یک عمل پرستشی بت‌پرستانه نباشد، می‌توانند از این گوشت‌ها استفاده کنند. اما او همچنین هشدار داد که وقتی آنها با ذهنیت اشتباه خورده شوند، ایمانداران دچار بت‌پرستی شده‌اند. او در اول قرنتیان ۸: ۷ به این موضوع اشاره کرد:

بعضی تاکنون چنان به بت‌ها خو کرده‌اند که هنوز هم اگر چنین خوراک‌هایی بخورند، می‌پندارند آن خوراک به واقع تقدیم بت‌ها شده است؛ و از آنجا که وجدان‌شان ضعیف است، مَلُوث می‌شوند (اول قرنتیان ۸: ۷).

به عبارت ساده، آن دسته از مسیحیان قرن‌س که درک ضعیفی از الاهیات داشتند، با خوردن گوشتی که برای بت‌ها قربانی شده بود پرستش مسیح را با پرستش بت‌ها در هم می‌آمیختند. پولس همچنین اضافه کرد که حتی مسیحیان بالغ نیز وقتی با خوردن این گوشت‌ها باعث سردرگمی برادر ضعیف‌تر می‌شوند، مرتکب گناه شده‌اند. همانطور که او در اول قرنتیان ۸: ۱۰ و ۱۲ می‌نویسد:

اگر کسی که وجدانی ضعیف دارد تو را... نشسته به غذا در بت‌خانه‌ای ببیند، آیا او نیز ترغیب نمی‌شود خوراک تقدیمی به بت‌ها را بخورد؟... وقتی اینچنین به برادران خود گناه می‌کنید و به وجدان ضعیف‌شان صدمه می‌رسانید، همانا به مسیح گناه می‌کنید (اول قرنتیان ۸: ۱۰، ۱۲).

آنها اینگونه با عدم توجه به دیگر ایمانداران، تا حدودی در گناه برادران ضعیف‌تر مسئول بودند. می‌توانیم ببینیم که پولس عمیقاً نگران سوءرفتارهای مختلفی بود که در پرستش قرنتیان وجود داشت. اما ریشهٔ همهٔ این مشکلات در خودخواهی و غرور آنها بود. آنها نمی‌توانستند از سهل‌انگاری‌های خود دست بکشند، حتی وقتی که این سهل‌انگاری‌ها باعث می‌شد تا دیگران در گناهان هولناکی مثل بت‌پرستی بیفتند. همانطور که بعداً در این درس خواهیم دید، خودداری آنها از احترام به دیگران آنچنان سزاوار سرزنش بود که گاهی پرستش آنها را بی‌ارزش می‌کرد.

رد اقتدار رسولانی پولس

چهارمین مشکلی که باید به آن اشاره کنیم، رد اقتدار پولس به عنوان یک رسول بود. احتمالاً این بزرگترین مشکل آنها بود. همانطور که در اول قرتیان ۱: ۱۲ خواندیم، بسیاری در قرتس، با انتخاب چهره‌های مذهبی رقیب در دسته‌بندی‌های‌شان، اقتدار پولس را زیر سوال برده بودند. آنچه اکنون باید به آن نگاه کنیم، این حقیقت است که پولس می‌بایست در هر دو نامه در برابر آنانی که می‌کوشیدند او را تماماً بی‌اعتبار کنند، از رسالت خود دفاع می‌کرد. برای مثال، در اول قرتیان ۹: ۱-۳ او می‌نویسد:

آیا رسول نیستم؟... حتی اگر برای دیگران رسول نباشم، دست کم برای شما هستم؛ زیرا شما مهر تأیید رسالت من در خداوند هستید. من در برابر آنان که دربارهٔ من به قضاوت می‌نشینند، اینچنین از خود دفاع می‌کنم (اول قرتیان ۹: ۱-۳).

و در دوم قرتیان ۱۲: ۱۱-۱۲ تأکید کرد:

شما ناگزیرم کردید. می‌بایست مورد ستایش‌تان باشم، چرا که هرچند هیچم، اما از آن «بزرگ‌رسولان» چیزی کم ندارم. نشانه‌های رسالت، در نهایت بردباری در میان شما به ظهور رسید، با آیات و عجایب و معجزات (دوم قرتیان ۱۲: ۱۱-۱۲).

بعضی از قرتیان آنچنان مغرور شده بودند که در حقیقت، اقتدار رسولی که واسطهٔ ایمان آنان بود را انکار می‌کردند؛ و به جای او به «بزرگ‌رسولان» می‌نگاه می‌کردند که در حقیقت حتی رسول نبودند. این رسولان جعلی ادعا می‌کردند که از همان اقتدار پولس و دیگر رسولان اصلی برخوردار هستند. و انجیل دروغینی را تعلیم می‌دادند که بسیاری از قرتیان را به راه‌های گناه‌آلود فکری و عملی می‌کشاند. در دوم قرتیان ۱۱: ۱۲-۱۵، پولس به شدیدترین شکل ممکن این افراد نابکار را مورد انتقاد قرار داد:

من به این کار ادامه خواهم داد تا ادعای کسانی را که با غرور می‌گویند رسالت آنها و رسالت ما یکسان است خنثی سازم. زیرا این اشخاص رسولان دروغین و خادمین فریبکار هستند که خود را به شکل رسولان مسیح در می‌آورند. این چیز عجیبی نیست، شیطان هم خود را به صورت فرشتهٔ نور در می‌آورد. پس اگر خادمین او خود را خدمت‌گزاران عدالت و نیکویی جلوه دهند جای تعجب نیست! در عاقبت مطابق اعمال‌شان کیفر خواهند یافت (دوم قرتیان ۱۱: ۱۲-۱۵، ترجمهٔ شریف).

پولس با زبانی بسیار تند این حقه‌بازان را رد کرد چون می‌دانست که دروغ‌های آنان می‌تواند چه نتایج مرگ‌باری داشته باشد. اگر قرنتیان رسولان دروغین را باور کرده و تعلیم پولس را رد کرده بودند، پس مسیح و انجیل را نیز انکار می‌کردند.

بنابراین، می‌توانیم ببینیم که وقتی پولس برای قرنتیان نامه نوشت، با مشکلات متعددی روبرو بود. همانطور که خواهیم دید، این مشکلات در سراسر رسالات اول و دوم قرنتیان ذهن پولس را به خود مشغول کرده بودند.

ساختار و محتوا

اکنون که به برخی از مشکلات مهمی نگاه کردیم که پیش‌زمینهٔ رسالات پولس به کلیسای قرنتس را شکل دادند، آماده‌ایم که به محتوای این نامه‌ها نگاه کنیم. ما با خلاصه کردن محتوای بخش‌های اصلی، به کنکاشی مختصر در هر یک از این رسالات کأنی خواهیم پرداخت. بیایید با اول قرنتیان شروع کنیم.

اول قرنتیان

می‌دانیم که در حقیقت، اول قرنتیان دومین نامه‌ای است که پولس به کلیسای قرنتس نوشته بود. در اول قرنتیان ۵: ۹، پولس با کلمات «در نامهٔ پیشین خود به شما نوشتم»، نشان داد که نامهٔ پیشینی وجود داشته است. همچنین، قرنتیان نیز نامه‌ای برای پولس فرستادند که در اولین قرنتیان ۷: ۱ به آن اشاره شده، و قسمت‌های مختلفی از اول قرنتیان در پاسخ به مشکلاتی است که در نامهٔ کلیسا به آنها اشاره شده بود. اول قرنتیان به چهار بخش اصلی تقسیم می‌شود: تحیات در ۱: ۱-۳؛ شکرگزاری در ۱: ۴-۹؛ بدنهٔ اصلی شامل پاسخ به نامه‌ها و گزارشات در ۱: ۱۰-۱۶؛ و خاتمه در ۱۶: ۱۳-۲۴.

تحیات

تحیات بسیار کوتاه این رساله، عنوان می‌کند که از طرف پولس و سوستنس به کلیسای قرنتس نوشته شده است. همچنین شامل یک برکت کوتاه است که نقش سلام آغازین را دارد.

شکرگزاری

شکرگزاری نیز نسبتاً کوتاه است و سپاسگزاری پولس برای ایمان و عطایای قرنتیان و نیز اطمینان از نجات آنها را بیان می‌کند.

خاتمه

خاتمه شامل چند نصیحت عمومی، تایید استفاناس و خانواده‌اش، تحیات پایانی، برکت، و یادداشتی به دست خود پولس برای تایید اصالت رساله است.

بدنه اصلی

بدنه اصلی شامل دو بخش بزرگ است: ۱: ۱۰-۶: ۲۰ شامل پاسخ پولس به گزارشات است که از خانواده خلوه دریافت کرده بود، و ۷: ۱-۱۶: ۱۲ شامل پاسخ پولس به نامه‌ای می‌شود که از کلیسای قرنتیان به او رسیده بود. در قسمت اول از این دو بخش، پولس به سه مشکلی پرداخت که در گزارش خانواده خلوه نظر او را جلب کرده بودند: تفرقه در کلیسا، فساد، و مشارکت‌های مسیحی.

پاسخ به گزارشات: همانطور که دیدیم، کلیسای قرنتیان مشکلات متعددی داشت که منجر به تفرقه شده بودند. آنها با سرسپردگی به رهبران به‌خصوصی در کلیسا مثل پولس، پطرس، آپولس و عیسی، چند دسته شده بودند. آنها علیه یکدیگر در دادگاه‌ها اقامه دعوا کرده بودند و نسبت به فقرایی که در میان‌شان بودند و فقیران اورشلیم بی‌اعتنا شده بودند. پولس از چند راه مختلف به این مسائل رسیدگی کرد.

برای مثال، او استدلال کرد که اگر آنها فقط به عیسی به عنوان رهبر اصلی‌شان نگاه می‌کردند و رسولان و معلمین را به عنوان خدمت‌گزاران مسیح می‌دیدند، دیگر به خاطر رسولان و معلمین محبوب‌شان با یکدیگر گلاویز نمی‌شدند. قرنتیان آنقدر رسولان و معلمین کلیسا را بالا برده بودند که دیگر عیسی را که از همه بالاتر بود، نمی‌دیدند. پولس همچنین به طور گسترده درباره بی‌نظمی‌ای می‌نویسد که در پی استفاده از حکمت انسانی برای برخورد با امور روحانی پیش می‌آید. از قرار معلوم، اقلیت تاثیرگذار در کلیسای قرنتیان از افرادی تشکیل شده بود که مورد احترام دنیای بیرون از کلیسا هستند؛ مانند افراد تحصیلکرده و ثروتمند. تحت راهبری آنان، بقیه کلیسا نیز در پی ارزش‌های دنیوی بودند. برای مثال، او در ۱: ۱۹-۲۰ می‌نویسد:

نوشته شده است: «حکمت حکیمان را نابود خواهیم ساخت و فهم فهیمان را باطل خواهیم گردانید.» به راستی حکیم کجاست؟ عالم دین کجاست؟ مباحثه‌گر این عصر کجاست؟ مگر خدا حکمت دنیا را جهالت نگردانیده است؟ (اول قرنتیان ۱: ۱۹-۲۰).

علاوه بر اینکه پولس به قرنتیان می‌گوید ابله هستند که مانند دنیا فکر می‌کنند، او همچنین به آنها می‌گوید که از لحاظ روحانی، نابالغ‌اند. او در ۳: ۱-۲ می‌نویسد:

ای برادران، نتوانستم با شما همچون اشخاص روحانی سخن بگویم بلکه همچون اشخاص نفسانی، یعنی مانند کسانی که در مسیح، کودک نوزادند. من به شما شیر دادم نه گوشت، زیرا آمادگی آن را نداشتید و هنوز هم ندارید (اول قرنتیان ۳: ۱-۲).

به عبارت دیگر، در حالیکه قرنتیان تفرقه‌انداز به خاطر حکمت و بلوغ‌شان خود را برتر می‌دیدند، در حقیقت هیچ چیز نمی‌دانستند و به هیچ‌وجه برای راهبری قوم خدا حائز شرایط نبودند. ارزش‌های دنیوی آنان چشم‌های‌شان را به حقایق روحانی بسته بود.

پولس همچنین قرنتیان را به خاطر فسادی که به او گزارش شده بود، توبیخ می‌کند. قبلاً به موردی اشاره کردیم که مردی با مادرخوانده خود رابطه داشت. پولس در ۵: ۱-۱۳ به آن مشکل پرداخت، اما او در مورد این موضوع در ۶: ۱۲-۲۰ به طور کلی‌تر نوشت و در آنجا متوجه می‌شویم که از قرار معلوم، قرنتیان از شعار «همه چیز برای من جایز است» سوءاستفاده کرده بودند. پولس مستقیماً در آیات ۱۲ و ۱۳، با پرداختن به شرایط این شعار، به اشتباه آنها پاسخ داد:

«همه چیز بر من جایز است»، اما همه چیز مفید نیست. «همه چیز بر من رواست»، اما نمی‌گذارم چیزی بر من تسلط یابد... اما بدن برای بی‌عفتی نیست، بلکه برای خداوند است و خداوند نیز برای بدن (اول قرنتیان ۶: ۱۲-۱۳).

همانطور که دیدیم، برخی از قرنتیان فکر می‌کردند حالا که عیسی آمده بود، هر نوع رفتار جنسی مجاز است. جای دیگری در باب ۶، پولس به تعدادی از گناهان جنسی اشاره می‌کند که مشخصه قرنتیان پیش از ایمان به مسیح بود و شامل زنا، بی‌عفتی، مردان و زنان فاحشه، و همجنسگرایی می‌شد. به طور قطع نمی‌دانیم، اما ممکن است که بیانیه پولس درباره فساد، خطاب به آن دسته از اعضای کلیسای قرنتیان باشد که همچنان به چنین فعالیت‌هایی مشغول بودند. به هر روی، مدارای کلیسا با مردی که با مادرخوانده خود رابطه داشت، به طور واضح نشان از ضعف آنها در این مورد بود.

در پایان، پولس به شفاف‌سازی بعضی از تعلیماتی می‌پردازد که پیشتر درباره مشارکت‌های مسیحی به آنان داده بود. او می‌خواست آنها روابط خود با دنیای بی‌ایمان را حفظ کنند، اما خود را از گناهکاران علنی‌ای که ادعای ایمان می‌کردند و باعث بدنامی قوم خدا می‌شدند، مثل مردی که با نامادری خود روابط جنسی داشت، دور نگه دارند. در چنین مواردی کلیسای قرنتیان می‌بایست به انضباط مناسب کلیسایی عمل و حتی در صورت نیاز، متخلفین را طرد می‌کرد. او این تعلیمات را در ۵: ۹-۱۱ خلاصه کرد:

در نامهٔ پیشین خود، به شما نوشتیم که با بی‌عفتان معاشرت نکنید. اما مقصودم به هیچ روی این نبود که با بی‌عفتان این دنیا یا با طمع‌ورزان یا شیادان یا بت‌پرستان معاشرت نکنید، زیرا در آن صورت می‌بایست دنیا را ترک گوید. اما اکنون به شما می‌نویسم که با کسی که خود را برادر می‌خواند، اما بی‌عفت، یا طماع یا بت‌پرست یا ناسزاگو یا میگسار و یا شیاد است، معاشرت نکنید و با چنین کس حتی همسفره مشوید (اول قرنتیان ۵: ۹-۱۱).

پاسخ به نامه‌ها: دومین بخش از بدنهٔ اصلی اول قرنتیان، در ۷: ۱-۱۶: ۱۲ آمده است. در این بخش است که پاسخ‌های پولس به سوالات کلیسای قرنتیان را می‌یابیم: در مورد موضوع ازدواج در ۷: ۱-۴۰؛ در باب‌های ۸-۱۰ دربارهٔ گوشت قربانی برای بت‌ها؛ ۱۱: ۲-۳۴ به سوالات دربارهٔ پرستش می‌پردازد اما اشاره‌ای نمی‌کند که در جواب سوالات قرنتیان باشد؛ در باب‌های ۱۲-۱۴ به عطایای روحانی؛ فصل ۱۵ دربارهٔ موضوع رستاخیز تمام ایمانداران؛ در ۱۶: ۱-۱۲ جمع‌آوری هدایا برای کلیسای اورشلیم، و اپلس.

اولین سوالی که پولس به آن پاسخ می‌دهد، دربارهٔ ازدواج، ازدواج مجدد، و مجرد است. پولس در ۷: ۱-۴۰ به این موارد می‌پردازد. بعضی از ایمانداران در قرن‌تس، ریاضت و پرهیز جنسی حتی در ازدواج را پیشه کرده بودند. به نظر می‌رسد گرایش برخی از ایمانداران قرن‌تس به ریاضت، سوالات دربارهٔ رفتار جنسی در ازدواج و اهمیت و احترام خود ازدواج را افزایش داده بود. پولس در پاسخ به این مسئله، هم ازدواج و هم مجرد را تایید و تاکید کرد که ازدواج می‌بایست شامل روابط جنسی باشد. اما او همچنین تعلیم داد که مجرد سودمندتر از ازدواج است چون مجرد به ایمانداران اجازه می‌دهد تا بیشتر بر «امور خدا» متمرکز باشند که علاقه به امور ملکوت مسیح است. بعضی باور دارند که دفاع پولس از مجرد در برابر تاهل، مختص مواقع بحرانی است، و بعضی دیگر باور دارند که تعلیمات پولس به طور برابر دربارهٔ تمام ایمانداران در همهٔ دوران‌ها از زمان آمدن مسیح صدق می‌کند.

در باب‌های ۸-۱۰ پولس به موضوع گوشت قربانی تقدیمی به بت‌ها پرداخت. ما بیشتر دربارهٔ غذایی که در معابد بت‌پرستان صرف می‌شد صحبت کردیم که موضوع اصلی باب ۸ است. اما به طور معمول، معابد بت‌پرستان تمام گوشت‌های قربانی را مصرف نمی‌کردند و غالب اوقات، باقیمانده را در بازار می‌فروختند. بنابراین، پولس در باب ۱۰ دربارهٔ گوشتی نوشت که از بازار خریداری می‌شد. او از ایماندارانی که این گوشت را می‌خوردند، مادامی که به عنوان یک عمل پرستشی بت‌ها انجام نمی‌شد و یا خلاف وجدان آنها نبود، دفاع کرد. اما او همچنین به آنان تعلیم داد که وقتی اعمال آنها به اشتباه، بت‌پرستی به نظر می‌رسد، از خوردن آن گوشت‌ها خودداری کنند. در میانهٔ مطالب باب ۹، او تمایل خود به محدودسازی آزادی مسیحی را توضیح داد و به طور ضمنی از دیگران نیز خواست که چنین کنند.

در فصل ۱۱، پولس به دو مورد مرتبط با پرستش پرداخت: نقش‌های جنسیتی که در آیات ۲-۱۶ از آن صحبت کرد، و نیز سوءرفتار نسبت به فقرا در حین شام خداوند که در آیات ۱۷-۳۴ به آن پرداخت. همان غرور و خودمحوری‌ای که منجر به تفرقه در کلیسا، شکایات در دادگاه‌ها، و لغزش مسیحیان ضعیف با غذا شده بود، همچنین ایماندارانی ساخته بود که در پرستش نسبت به یکدیگر بی‌احترامی می‌کردند. جای تعجب ندارد که راه‌حل پولس نه تنها توقف رفتارهای توهین‌آمیز، بلکه تغییر گرایشات قلبی نیز بود.

در باب‌های ۱۲-۱۴ پولس به مشکلات مرتبط با استفاده از عطایای روحانی پرداخت. در فصل ۱۲ او توضیح داد که روح‌القدس عطایا را برای ارتقای سطح دریافت‌کنندگان و یا به عنوان پاداشی برای درستکاری نمی‌بخشد؛ بلکه با توجه به نیازهای کلیسا است که او عطایا را می‌بخشد.

پولس در باب ۱۳ که عموماً به عنوان «باب محبت» شناخته می‌شود، توضیح داد که تمام عطایا باید در محبت استفاده می‌شدند و اگر چنین نبود، بی‌ارزش بودند.

سرانجام، در باب ۱۴ او قرنتیان را به خاطر پرستش بی‌نظم‌شان توبیخ کرد و به آنان تعلیم داد که چطور استفاده از عطایا را در پرستش جمعی مهار کنند.

باب ۱۵، به موضوع رستاخیز تمام ایمانداران اشاره می‌کند. از قرار معلوم، بعضی در کلیسای قرنتس منکر این بودند که ایمانداران جسماً از مرگ برخوانند خاست. در پاسخ به این خطا، پولس توضیح داد که رستاخیز مسیح کلید انجیل بود و به همین نحو، برای اینکه ایمانداران نجات نهایی را دریافت کنند، می‌بایست همانطور که عیسی از مرگ برخاست، آنان نیز برخیزند.

پولس پاسخ‌های خود به سوالات قرنتیان را در ۱: ۱۶-۱۲، با دستوراتی راجع به جمع‌آوری هدایا برای کلیسای نیازمند اورشلیم و نیز با چند توضیح دربارهٔ اِپلِس، کامل کرد.

اکنون که به محتوای اول قرنتیان نگاه کردیم، باید به محتوای دومین نامهٔ کانتی پولس به قرنتیان توجه

کنیم.

دوم قرنتیان

طرح کلی دوم قرنتیان را می‌توان به اشکال مختلفی ارائه کرد. ما در اینجا محتوای آن را تحت چهار سرفصل گرد آورده‌ایم: تحیات در ۱: ۱-۲؛ مقدمه‌ای در ۱: ۳-۱۱؛ بدنهٔ اصلی در ۱: ۱۲-۱۳؛ و خاتمه در ۱۳: ۱۴-۱۱.

تحیات

تحیات نشان می‌دهد که نامه از طرف پولس و تیموتائوس است، و از کلیسای قرنتس و مقدسین اطراف ناحیهٔ اخائیه به عنوان مخاطبین نام می‌برد. همچنین شامل یک برکت کوتاه است که نقش سلام آغازین را دارد.

مقدمه

استفاده از مقدمه، به نوعی عادت پولس است. این مقدمه به‌خصوص، شرح رنج زیادی است که پولس به خاطر خدمت خود متحمل شد و نیز تسلاهی که از خدا دریافت کرد. اگرچه کاربرد این مقدمه در درجهٔ اول برای همدرد ساختن قرنتیان با پولس است، اما همچنین، تسلی عظیمی برای همهٔ ایماندارانی است که به خاطر انجیل رنج می‌کشند، و حتی به خداوند به عنوان «خدای جمیع تسلیات» اشاره می‌کند. علاوه بر این، آنانی که در رنج هستند را تشویق می‌کند تا از تجربیات خود برای تسلی دیگران استفاده کنند.

خاتمه

خاتمه بسیار کوتاه است و شامل چند نصیحت کلی و تحیت پایانی می‌شود.

بدنهٔ اصلی

بدنهٔ اصلی حجم وسیعی از نامه را تشکیل می‌دهد و شامل پنج موضوع عمده می‌شود: دفاع از رفتار پولس در ۱: ۱۲-۲؛ ۱۱؛ دفاع از خدمت پولس در ۲: ۱۲-۷؛ ۱؛ دستوراتی دربارهٔ جمع‌آوری هدایا برای اورشلیم در ۷: ۲-۹؛ ۱۵؛ ادامهٔ دفاع از خدمت پولس در ۱۰: ۱-۱۲؛ ۱۳؛ و صحبت دربارهٔ دیدار آیندهٔ پولس در ۱۲: ۱۳-۱۴؛ ۱۰.

رفتار پولس: در ۱: ۱۲-۲؛ ۱۱، پولس از رفتار خود در دو مسئله دفاع کرد. نخست، او توضیح داد که چرا برخلاف برنامهٔ قبلی، از کلیسای قرنتس دیدار نکرد. و دوم، به خطایی که از طرف یکی از قرنتیان در حق او انجام شده بود، اشاره کرد. از قرار معلوم، بعد از آنکه پولس برنامهٔ خود برای دیدار از قرنتس را اعلام کرد، منازعه‌ای بین او و چند نفر در کلیسای قرنتیان به وجود می‌آید. در نتیجه، پولس می‌دانست که اگر به دیدار آنها می‌رفت، باید با این مسئله مقابله می‌کرد و احتمالاً دست به برخورد انضباطی می‌زد. بنابراین، پولس برنامهٔ سفرش را به عنوان یک عمل مداراگرانه از طرف خود، تغییر داد. تعدادی از مسیحیان در قرنتس متوجه نبودند که این عمل از روی نرم‌دلی پولس انجام شده و از انصراف او رنجیده بودند. برخی حتی اعتبار او را زیر سوال بردند.

در موردی که شاید به این موضوع هم مربوط بود، پولس به موقعیتی اشاره می‌کند که یکی از ایمانداران خطایی در حق او مرتکب شده بود و متعاقباً، از طرف کلیسا برخورد انضباطی با او صورت گرفته بود. پولس به کلیسا

اطمینان داد که آن مرد را بخشیده، و برخوردی که با او صورت گرفت، کافی بوده است. او به کلیسا دستور داد تا دوباره محبت خود را به آن مرد نشان دهند و او را در مشارکت خود بپذیرند.

خدمت پولس: در ۲: ۱۲-۷: ۱ پولس به موضوع بسیار جدی تری پرداخت؛ افراد خاصی در کلیسای قرنتس، همچنان به رسالت پولس مشکوک بودند. همانطور که قبلا دیدیم، پولس به این موضوع در اول قرنتیان پرداخته بود. اما از سخنان او در دوم قرنتیان واضح است که تعدادی از مسیحیان در قرنتس، از خطای خود توبه نکرده بودند. بنابراین، پولس با اعلام اینکه خواندگی و قدرت او هر دو از طرف خداوند است و تنویر اینکه رد رسالت او پیامدهایی جدی داشت، دفاع مبسوطی از ماهیت خدمت خود به عمل آورد.

در دوم قرنتیان ۵: ۱۸-۲۰، او حتی تا آنجا پیش رفت که عنوان کرد آنانی که به رسالت او شک دارند، نجات نیافته‌اند:

[خدا]... خدمت آشتی را به ما سپرده است... خدا در مسیح جهان را با خود آشتی می‌داد و گناهان مردم را به حساب‌شان نمی‌گذاشت... [ما] سفیران مسیح هستیم... با خدا آشتی کنید (دوم قرنتیان ۵: ۱۸-۲۰).

آنانی که هنوز با خدا آشتی نکرده بودند، بار گناه خود را به دوش می‌کشیدند و بخشیده نشده بودند. و البته، عیسی خود تعلیم داد که رد سفیران او، رد خود او است. همانطور که خداوند به خدمت‌گزاران خود در لوقا ۱۰: ۱۶ گفت:

هر که به شما گوش فرا دهد، به من گوش فرا داده است؛ و هر که شما را نپذیرد، مرا نپذیرفته است (لوقا ۱۰: ۱۶).

این موضوع آنقدر مهم بود که پولس در این نامه زمان زیادی را به اشکال مختلف صرف رسیدگی به آن کرد. او نمی‌خواست قرنتیانی که بسیار آنها را دوست داشت، به خاطر رد انجیل او هلاک شوند.

جمع‌آوری هدایا: سومین موضوع شامل دستوراتی دربارهٔ جمع‌آوری هدایا برای کلیسای اورشلیم، در ۲: ۷-۹: ۱۵ آمده است. در آن زمان مسیحیان اورشلیم، به خاطر قحطی در یهودیه شدیداً نیازمند بودند. در پاسخ به این بحران، کلیسای قرنتیان همراه با بسیاری کلیساهای دیگر، متعهد شد تا مبلغی را برای کمک به آنها بفرستند. اما قرنتیان موفق نشده بودند کار جمع‌آوری هدایا را به اتمام برسانند. بنابراین، پولس درگیر بحثی طولانی دربارهٔ ارزش فداکاری برای دیگران شد. او نخست به نمونهٔ بخشش کلیساهای مکادونیه رجوع کرد که حتی بیش از توان خود بخشیده بودند و شاد بودند که می‌توانستند از این طریق خدمتی انجام دهند. او همچنین به نمونهٔ مسیح رجوع کرد

که زندگی خود را بخشید تا قرنتیان بتوانند شادی را به فراوانی تجربه کنند. فراتر از این، او قرنتیان را تشویق کرد که اگر از اهداف پیشین خود برای کمک به کلیسای اورشلیم پیروی کنند، خدا نیز عطایای خود را بر آنها خواهد ریخت.

خدمت پولس: در ۱۰: ۱-۱۲: ۱۳ پولس به دفاع از رسالت خود برگشت. به نظر می‌رسید که مسیحیان قرنتس ارزش زیادی برای آن دسته از راهبران خود قائل بودند که دارای صفات مورد احترام دنیا بودند؛ و از آنجایی که پولس چنین صفاتی از خود نشان نمی‌داد، آنها تعلیم و اقتدار او را دست‌کم گرفتند. به طور مثال، از قرار معلوم قرنتیان برای سخنوران حرفه‌ای ارزش زیادی قائل بودند و انتظار داشتند که راهبران‌شان حقوق دریافت کنند. چون پولس به صورت حرفه‌ای سخنرانی نمی‌کرد و چون انتخاب کرده بود که جین اقامت در قرنتس، خود امرار معاش کند تا باری اقتصادی بر دوش کلیسا نباشد، او را پایین‌تر از دیگران می‌دیدند.

در پاسخ به این طرز نگرش، پولس فهرستی از ویژگی‌های خود را ارائه می‌کند تا هم حقانیت خدمت خود را ثابت کند، و هم قرنتیان را به خاطر ارزش‌های غلطی که داشتند توبیخ کند. در میان چیزهای دیگر، او به فداکاری‌های بزرگ خود برای انجیل و تجربه‌اش از مشاهده بهشت اشاره می‌کند. علاوه بر این، او با حمله به رسولان دروغینی که دروغ‌های خویش را در قرنتس اشاعه داده بودند اما با وجود این، از ارزش‌های زمینی مورد احترام قرنتیان برخوردار بودند، آنها را بی‌اعتبار ساخت. پولس دربارهٔ چنین مردانی در دوم قرنتیان ۱۱: ۱۳ می‌نویسد:

چنین کسان، رسولان دروغین و کارگزارانی فریبکارند که خود را در سیمای رسولان مسیح ظاهر می‌سازند (دوم قرنتیان ۱۱: ۱۳).

پولس روشن ساخت که آنها بی‌ایمان و دروغگو هستند و آنانی که به آنها گوش کردند، خود را به خطر انداختند.

دیدار آینده: پولس سرانجام، در ۱۲: ۱۴-۱۳: ۱۵ به موضوع دیدار آینده خود پرداخت. او اکنون می‌خواست به قرنتس برود؛ فارغ از اینکه این می‌توانست به معنای داوری کلیسا باشد. متأسفانه، او می‌ترسید که تعداد زیادی از ایماندارانی را بیابد که علیرغم هشدار علیه گناهان هولناک‌شان، از توبه سر باز زده بودند. پولس به خوانندگان خود دستور داد تا خود را بیازمایند که آیا در ایمان هستند یا نه. به سخنان او در ۱۳: ۵ گوش کنید:

خود را بیازمایید تا ببینید آیا در ایمان هستید یا نه. خود را محک بزنید. آیا در نمی‌یابید که عیسای مسیح در شماست؟ مگر آنکه در این آزمایش مردود بشوید! (دوم قرنتیان ۱۳: ۵).

پولس می‌دانست بسیاری از آنانی که اعتراف به ایمان کرده بودند، در حقیقت بر مسیح برای نجات اعتماد نکرده بودند. بنابراین، او صادقانه انجیل توبه، ایمان، و نجات را به کلیسای قرنتس موعظه کرد و امیدوار بود که مخالفین او تبدیل به پیروان واقعی مسیح شوند.

بعد از نگاه کوتاهی که به پیش‌زمینه و محتوای نامه‌های کائنی پولس به قرنتیان داشتیم، حال باید توجه‌مان را به سومین موضوع جلب کنیم: دیدگاه‌های الاهیاتی پولس که در اول و دوم قرنتیان بازتاب یافته است.

دیدگاه‌های الاهیاتی

تاکنون در این درس به بررسی چندین مشکل پرداختیم که پولس در اول و دوم قرنتیان به آنها رسیدگی کرد. و دیدیم که درک ناچیز قرنتیان از آخرت‌شناسی، نقش به‌سزایی در تمام این مشکلات داشت. بنابراین، مانند دروس قبلی از این مجموعه، اکنون توجه‌مان را به راه‌هایی معطوف می‌کنیم که پولس از آموزه‌های روزهای آخر یا آخرت‌شناسی خود برای اصلاح مخاطبین‌اش استفاده کرد.

همانطور که در سرتاسر این درس متوجه شدیم، آخرت‌شناسی پولس در دیدگاه‌های معمول یهودی نسبت به نقشه‌ی خدا برای تاریخ بشر ریشه داشت. در قرن اول، درک غالب یهودی این بود که عهد قدیم تاریخ را به دو بخش تقسیم کرده است: «عصر حاضر» و «عصر آینده». «عصر حاضر» عصر کنونی گناه، داوری و مرگ بود، در حالیکه «عصر آینده»، عصر آتی برکات نهایی خدا برای قومش و داوری نهایی علیه دشمنان او بود. رویدادی که نشان‌گذار بین این دو عصر بود، ظهور «ماشیح» یا «مسیح» بود. اینطور گمان می‌شد که وقتی ماشیح بیاید، عصر حاضر را پایان خواهد داد و عصر آینده را آغاز خواهد کرد.

البته، پیروان مسیح مثل پولس و دیگر رسولان، تشخیص دادند که تاریخ دقیقاً آنطور که الاهیات یهودی انتظار داشت، روی نداد. بدون شک، عیسی ماشیح بود و عصر آینده را آغاز کرد. اما او تمام برکات وعده داده‌شده را کاملاً محقق نکرد. به طور خلاصه، ما در زمانی زندگی می‌کنیم که عصر آینده نجات ابدی «هم‌اینک» به طرقی اینجا است، اما به طرقی دیگر، «نه هنوز». زمان ما زمانی است که عصر حاضر و عصر آینده هم‌زمان با هم وجود دارند. در حین این همپوشانی اعصار، اگرچه ما از بسیاری برکات عصر آینده برخورداریم، اما همچنین باید درک کنیم که سختی و تقلا همچنان به وجود خود در عصر گناه و مرگ ادامه خواهند داد.

پولس می‌دانست که الگوی آخرت‌شناسی او، دشواری‌هایی برای کلیسای اولیه به وجود آورد. چون آنها می‌بایست حدس می‌زدند که چه میزان از عصر آینده، هم‌اینک حاضر است. در درس قبلی، دیدیم که برخی ایمانداران مواضعی افراطی در این مورد اتخاذ کردند. برای مثال، تسالونیکیان مبدع چیزی بودند که آن را «آخرت‌شناسی دو آتش» خواندیم؛ باور به اینکه در آینده بسیار نزدیک، عیسی عصر حاضر را پایان می‌بخشد و عصر آینده را با تمام

کمال آن محقق می‌کرد. در نتیجه، آنها زندگی در این عصر حاضر را بسیار بی‌اهمیت می‌دیدند. در نقطهٔ مقابل، عملکرد غلاطیان به نوعی بود که گویی عصر آینده به هیچ شکل خاصی روی نداده است. ما خطای آنان را «الاهیات ناقص» نامیدیم.

همانطور که از نزدیک به مشکلات در قرن‌تس و واکنش‌های پولس به آنها نگاه کردیم، خواهیم دید که قرن‌تیان همچنین، ارزیابی بسیار نادرستی از این نقشهٔ اعصار داشتند. در ذهن آنها، عصر حاضر گناه و مرگ عمدا متوقف شده بود و آنان را آزاد گذاشته بود تا از بخشندگی کامل عصر آینده برخوردار شوند. خطای آنان «آخرت‌شناسی فرا کامل» بود. بنابراین، وقتی پولس دربارهٔ مشکلات به‌خصوصی در کلیسای آنها صحبت کرد، به آنها تعلیم داد که چطور در زمان هم‌پوشانی «هم‌اینک» و «نه هنوز»، حیات خود را به درستی ارزیابی و زندگی کنند.

اگرچه پولس به طرق متعددی به مشکلات قرن‌تیان رسیدگی کرد، ما بر سه عنصر آخرت‌شناسی او متمرکز خواهیم شد که به طور منظم در این نامه‌ها ظاهر شدند: ایمان، مخصوصا با توجه به برتری مسیح؛ امید به آینده به‌جای دنیای کنونی؛ و محبت، به عنوان عنصری اساسی در زندگی مسیحی. بیایید ابتدا ببینیم پولس چطور بر برتری مسیح تاکید کرد تا عدم تعادل در ایمان قرن‌تیان را بهبود ببخشد.

ایمان

در این درس دیدیم که غرور و نخوت قرن‌تیان مشکلات بسیاری در کلیسا به وجود آورد. به طور عمده، این غرور از آنجایی شکل می‌گرفت که قرن‌تیان دید خود نسبت به برتری و خداوندی مسیح و منجی‌گری او بر همگان را از دست داده بودند. با توجه به خداوندی مسیح، آنها نقش او در تکمیل و ادارهٔ پادشاهی‌اش را تنزل داده بودند.

مسیح خداوند

با اینکه ممکن است خیلی عجیب به نظر بیاید، اما بعضی از مسیحیان قرن‌تس چنان عمل می‌کردند که گویی مسیح ملکوت خدا را تقریباً به کمال آورده بود و آنان می‌توانستند هم‌اینک از بسیاری از برکاتی که خدا برای ایمانداران در ذهن داشت، بهره‌مند باشند. آنها همچنین طوری عمل می‌کردند که گویی عیسی آنان را به عنوان حاکمان پادشاهی زمینی تازه تاسیس خود منصوب کرده بود. به نظر می‌رسید این دیدگاه به طور خاص در صاحب‌منصبان کلیسا وجود داشت. آنها تصور می‌کردند که مسیح این قدرت را به آنان داده بود چون آنها از دیگران حکیم‌تر و روحانی‌تر بودند. آنها تمام کسانی که به چشم آنان شایستهٔ این پادشاهی‌های عالی نبودند را پایین‌تر از خود می‌دیدند. گوش کنید که پولس چطور آنان را به خاطر این تفکر در اول قرن‌تیان ۴: ۷-۱۰ توبیخ کرد:

چه کسی تو را متفاوت انگاشته است؟ چه داری که به تو بخشیده نشده باشد؟ و اگر به تو بخشیده شده است، پس چرا چنان فخر می کنی که گویی چنین نیست؟ گویی شما هم اکنون به هر آنچه می خواستید، رسیده اید! گویی هم اکنون دولت مند شده اید! و پادشاهی می کنید، آن هم بدون ما! ... ما به خاطر مسیح جاهلیم، اما شما در مسیح حکیمید! ما ضعیفیم، اما شما قوی هستید! ما خوار و حقیریم، اما شما محترمید! (اول قرنتیان ۴: ۷-۱۰).

در این متن، پولس تفکر مغرورانه این قرنتیان را به سُخره گرفت. آنها گمان می کردند «شایسته» شآن و احترام هستند، اما در حقیقت این مسیح بود که تمام اینها را به آنان بخشیده بود. آنها می دانستند که پیروان وفادار مسیح، روزی با او در زمین جدید حکومت خواهند کرد اما به طور ابلهانه ای فکر می کردند حتی با وجود اینکه مسیح هنوز به عنوان پادشاه باز نگشته، حکومت آنها هم اکنون آغاز شده است. آنها مدعی حکمت و قوت و جلالی بودند که تنها به مسیح تعلق داشت.

از بعضی جهات خاص، این خطایا قابل درک هستند. قرنتیان به درستی درک کرده بودند که بعد از احیای آفرینش توسط مسیح، ایمانداران بر زمین جدید حکومت خواهند کرد. همچنین آنها درک صحیحی از این داشتند که ایمانداران، بر اساس عملکردهای شان در این زندگی، پادشاهای ابدی دریافت خواهند کرد. از آنجا که آنان اساسا باور داشتند مرحله نهایی پادشاهی خدا هم اینک در دسترس است، طبیعی بود که فکر کنند جلال یافته اند و پادشاه خود را دریافت کرده اند. علاوه بر این، از آنجا که مسیح در هیچ کجای این پادشاهی احیاشده خیالی آنان حضور نداشت، برای آنها آسان بود که نقش او به عنوان حاکم را دست کم بگیرند.

اما خطایای آنان چه قابل درک باشد یا نه، پذیرفتنی نبودند. در حقیقت، آنها عمدتاً با بی احترامی و آسیب به ایماندارانی که در جایگاه تاثیرگذاری نبودند، در حال ویرانی کلیسا بودند. بنابراین، پولس برای اصلاح این خطا بر این حقیقت تاکید کرد که هنوز عصر آینده در کمال خود فرا نرسیده است. هیچکس «شروع به حکمرانی» نکرده بود و همه همچنان در انتظار بازگشت مسیح بودند.

مسیح نجات دهنده

قرنتیان همچنین، با تنزل نقش مسیح به عنوان نجات دهنده نیز در تجلیل او شکست خوردند. آنها به طور خاص، این حقیقت را نادیده گرفتند که تنها از طریق اتحاد با مسیح است که ایمانداران برکات عصر آینده را دریافت می کنند و این شامل عطایای روحانی و احترام نیز می شد. از طریق اتحاد با مسیح، ایمانداران در هویت و شایستگی مسیح سهیم می شوند. به همین خاطر، خدا به آنان چنان می نگرد که گویی آنها خود مسیح هستند و بنابراین، به آنها شان و احترام و عطایا می بخشد تا از آنها در کلیسا بهره مند شوند.

اما در ذهن بسیاری از قرتیان، عطایا و احترام توسط خود فرد ایماندار کسب می‌شد. آنها فکر کردند که اگر یک مسیحی تاثیر و ارجی دارد، به این دلیل است که آن شخص سزاوار چنین چیزهایی بود. و اگر ایمانداری فاقد این امتیازات زمینی بود، به آن معنی بود که یک مسیحی درجه دو است.

بنابراین، پولس با تاکید بر جنبه دیگری از آخرت‌شناسی خود به خطای آنها پاسخ داد که اهمیت مسیح را برجسته می‌کرد؛ یعنی آموزه اتحاد بین مسیح و ایمانداران. گوش کنید پولس چطور این مسئله را در دوم قرتیان ۵: ۱۷-۱۵ عنوان کرد:

[مسیح] به خاطر همه مرد تا زندگان دیگر نه برای خود، بلکه برای آن کس زیست کنند که به خاطرشان مرد و برخاست. بنابراین، از این پس درباره هیچ کس با معیارهای بشری قضاوت نمی‌کنیم... اگر کسی در مسیح باشد، خلقتی تازه است. چیزهای کهنه درگذشت؛ هان، همه چیز تازه شده است! (دوم قرتیان ۵: ۱۷-۱۵).

پولس تاکید کرد که ایمانداران نباید خود یا دیگران را بر اساس معیارهای جسمانی یا دنیایی بسنجند. بر عکس، او می‌خواست آنها تمام ایمانداران را به عنوان انسان‌هایی در اتحاد با مسیح ببینند و به یکدیگر محبت و احترامی را نشان دهند که به خود خداوند نشان می‌دادند. در حقیقت، پولس این استدلال را بارها و بارها در نامه‌های خود به قرتیان تکرار کرد. به پند او در این باره در اول قرتیان ۸: ۱۱-۱۲ گوش کنید:

بدین‌گونه، معرفت تو باعث هلاکت آن برادر ضعیف می‌شود که مسیح به خاطرش مرد. وقتی این چنین به برادران خود گناه می‌کنید و به وجدان ضعیفشان صدمه می‌رسانید، همانا به مسیح گناه می‌کنید (اول قرتیان ۸: ۱۱-۱۲).

پولس تعلیم داد که چون ایمانداران با مسیح متحد هستند، خطایی علیه یک ایماندار، خطا علیه مسیح است. وقتی او تعلیم داد که ثروتمندان در زمان شام خداوند فقرا را خجالت‌زده نکنند، از همین دست استدلال استفاده کرد. او در اول قرتیان ۱۱: ۲۴-۲۷ نوشت:

[عیسی] فرمود: «این است بدن من برای شما. این را به یاد من به جای آورید... این جام، عهد جدید است در خون من. هر بار که از آن می‌نوشید، به یاد من چنین کنید... پس هر که به شیوه‌ای ناشایسته نان را بخورد و از جام خداوند بنوشد، مجرم نسبت به بدن و خون خداوند خواهد بود (اول قرتیان ۱۱: ۲۴-۲۷).

پولس به قرنیتیان یادآوری کرد که عیسی خود را برای همه آنها فدا کرد، نه فقط برای ثروتمندان و قدرتمندان. او به آنان یادآوری کرد که صرفاً از طریق مسیح – که همه آنها به طور مساوی از او برخوردار بودند – برکات عصر آینده را دریافت کرده بودند. سرانجام، او به این نکته اشاره کرد که شرکت ناشایست در شام خداوند و سوء رفتار با فقرا یا دیگر ایمانداران در زمان شام خداوند، گناهی علیه خود عیسی بود.

پولس در سرتاسر نامه‌های خود به قرنیتیان، همواره به اتحاد با مسیح به عنوان بنیانی برای احترام، ارزش و خدمت به دیگر ایمانداران اشاره کرد. وقتی او در اول قرنیتیان ۱۲: ۱۲ نوشت که ایمانداران باید مانند اعضای بدن بر یکدیگر تکیه کنند، اشاره به همین موضوع بود. او دوباره در دوم قرنیتیان ۱: ۵، وقتی ایمانداران را دلگرمی بخشید که در تسلی مسیح شریک هستند نیز به همین مورد اشاره داشت. از حوصله این درس خارج است که به تک تک توضیحات پولس در نامه‌های خود به کلیسای قرنتس در این باره اشاره کنیم، بنابراین به خلاصه تفکرات او به این نحو بسنده می‌کنیم: ایمانداران تنها از طریق اتحاد با مسیح در برکات عصر آینده شریک می‌شوند؛ وقتی این را درک کنیم، می‌توانیم جلال شایسته مسیح را به او بدهیم و از گناهایی که ریشه در غرور دارند، دوری کنیم.

امید

دومین شیوه‌ای که پولس کوشید تا به واسطه آن آخرت‌شناسی قرنیتیان را اصلاح کند، با یادآوری ماهیت گذرای برکات آنان بود. اگرچه قرنیتیان از بسیاری از برکات عصر آینده برخوردار بودند، اما عصر حاضر گناه و مرگ هنوز پایان نیافته بود. برای مثال، او در اول قرنیتیان ۷: ۳۱ نوشت:

صورت کنونی این دنیا در حال سپری شدن است (اول قرنیتیان ۷: ۳۱).

او در اول قرنیتیان ۲: ۶ نیز سخن مشابهی گفت:

حکمرانان این عصر... محکوم به زوالند (اول قرنیتیان ۲: ۶).

و در اول قرنیتیان ۱۵: ۵۰ اضافه کرد:

جسم و خون نمی‌تواند وارث پادشاهی خدا شود (اول قرنیتیان ۱۵: ۵۰).

البته، قرن‌تیان می‌دانستند که از جسم و خون هستند، بنابراین این سخن به آنها نشان می‌داد که در مرحله کنونی از وجود خود نمی‌توانند پادشاه‌های ابدی‌شان را به طور کامل دریافت کنند. به طریقی مشابه، پولس در اول قرن‌تیان ۴: ۸ استدلال کرد که قرن‌تیان هنوز شروع به حکمرانی با مسیح نکرده بودند. آن جنبه دیگری از زندگی در کمال عصر آینده بود.

احتمالاً طولانی‌ترین استدلال پولس که مستقیماً به آموزه امید مربوط می‌شود را می‌توان در اول قرن‌تیان باب ۱۵ یافت. در آنجا، پولس نافیان رستاخیز جسمانی ایمانداران در آینده را رد کرد. همانطور که دیدیم، حداقل برخی از اعضای کلیسای قرنتس باور داشتند که از بخش عمده برکات عصر آینده برخوردارند. آنها آنقدر مطمئن بودند که فواید ملکوت هم‌اینک در دسترس است که باور داشتند دیگر چیزی باقی نمانده تا منتظر آن باشند. اما پولس در اول قرن‌تیان باب ۱۵ روشن کرد که پیش از آنکه عصر آینده در کمال خود ظاهر شود، برخی از رویدادهای بزرگ باید اتفاق بیفتند و بعضی تغییرات بسیار چشمگیر باید رخ بدهند. او این تغییرات را در اول قرن‌تیان ۱۵: ۲۲-۲۴ خلاصه کرد:

در مسیح... همه زنده خواهند شد. اما هر کس به توبه خود: نخست مسیح که نوبه بود؛ و بعد، به هنگام آمدن او، آنان که متعلق به اویند. سپس پایان فرا خواهد رسید، یعنی آنگاه که پس از برانداختن هر ریاست و قدرت و نیرویی، پادشاهی را به خدای پدر سپارد (اول قرن‌تیان ۱۵: ۲۲-۲۴).

ایمانداران بایستی همانطور که مسیح از مرگ برخاست، برخیزند، اما رستاخیز آنان تا پیش از بازگشت مسیح روی نخواهد داد. سپس، آنها ابدیت را در بدن‌های جلال‌یافته‌شان با او سپری خواهند کرد. بازگشت مسیح و رستاخیز ایمانداران نشانه پایان عصر حاضر با حاکمیت، اقتدار و قدرت آن خواهد بود. از آنجا که مسیح هنوز برنگشته بود و رستاخیز ایمانداران هنوز اتفاق نیفتاده بود، فارغ از اینکه قرن‌تیان چه فکری می‌کردند، هنوز در جلال زندگی نمی‌کردند. همانطور که پولس در اول قرن‌تیان ۱۵: ۱۹ نوشت:

اگر تنها در این زندگی به مسیح امیدواریم، حال ما از همه دیگر آدمیان رقت‌انگیزتر است (اول قرن‌تیان ۱۵: ۱۹).

پولس با صحبت واضح درباره ماهیت گذرای جهان حاضر، امیدوار بود که دیدگاهی واقع‌گرایانه از زندگی و کلیسای ایمانداران قرنتس به آنان بدهد. و او امید داشت که این دیدگاه تازه، سبب توبه آنها از غرور و گناه‌شان شود.

محبت

آخرین دیدگاه الهیاتی پولس که به آن اشاره می‌کنیم، اهمیت محبت است. معمولاً برداشت ما دربارهٔ محبت به عنوان خلاصهٔ تمام شریعت خدا یا به عنوان حکم اعظم است، اما نه به عنوان عنصری از آخرت‌شناسی. با این وجود، در حالیکه محبت همانقدر که در عصر حاضر اهمیت دارد که در عصر آینده، همچنین حقیقت دارد که برای پولس محبت چیزی بود که شاید آن را فضیلت آخرت‌شناسانه بنامیم؛ به این معنی که محبت، عنصری اساسی در الهیات ایام آخر او بود.

برای مثال، به استدلال پولس دربارهٔ ارزش الهی محبت توجه کنید که در باب معروف «محبت» در اول قرنتیان باب ۱۳ آمده است. او در آیات ۸-۱۰ آن باب می‌نویسد:

محبت هرگز پایان نمی‌پذیرد. اما نبوت‌ها از میان خواهد رفت و زبان‌ها پایان خواهد پذیرفت و معرفت زایل خواهد شد. زیرا معرفت ما جزئی است و نبوت‌مان نیز جزئی؛ اما چون کامل آید، جزئی از میان خواهد رفت (اول قرنتیان ۱۳: ۸-۱۰).

منظور پولس این بود که بسیاری از جوانب عصر حاضر، در زمان استقرار عصر آینده در کمال خود، ادامه نخواهند یافت. نه نبوت و نه عطای معرفت، وقتی اموری که از آنها سخن می‌گویند پیش روی ما حاضر باشد، دیگر استفاده‌ای نخواهند داشت. به طریق مشابه، حتی فضائل عالی مسیحی مانند ایمان و امید نیز در کمال عصر آینده جایی نخواهند داشت. از تمام این عطایای روحانی و فضائل مسیحی که پولس در این فصل به آنها اشاره کرد، تنها محبت است که به وجود و ارزش خود در عصر آینده ادامه خواهد داد. ما اکنون محبت می‌کنیم، و در آن زمان نیز محبت خواهیم داشت. ما اکنون مورد محبت واقع می‌شویم، و در آینده نیز مورد محبت قرار خواهیم گرفت. خودِ محبت، مشارکت در برکات عصر آینده است. در حقیقت، محبت تجلی اصلی آن برکات است.

اما پولس چطور فضیلت آخرت‌شناسانهٔ محبت را در مشکلات کلیسای قرن‌سوم به کار برد؟ تا اینجا روش‌های متفاوت کابردی او را مشاهده کردیم. برای مثال، او ایماندارانی که از درک بالاتری برخوردار بودند را تشویق کرد تا از صرف غذا در معابد بت‌ها به خاطر مسیحیان ضعیف‌تری که ممکن بود از این عمل آنها به بت‌پرستی تشویق شوند، پرهیز کنند. پولس این موضوع را اینطور در اول قرنتیان ۸: ۱ آغاز کرد:

در خصوص خوراک تقدیمی به بت‌ها: می‌دانیم که «همهٔ ما اشخاص دانایی هستیم.» اما دانش مایهٔ تکبر است، حال آنکه محبت، بنا می‌کند (اول قرنتیان ۸: ۱).

به عبارت دیگر، استدلال او دربارهٔ پرهیز از غذای بت‌ها، استدلالی دربارهٔ چگونه محبت کردن بود. پولس همچنین وقتی از رسالت خود دفاع می‌کرد، با جدیت از محبت صحبت کرد. برای نمونه، وقتی دربارهٔ نحوهٔ خدمت خود توضیح می‌داد، در دوم قرنتیان ۵: ۱۴-۱۵ نوشت:

محبت مسیح بر ما حکم‌فرماست، چون یقین داریم که یک تن به خاطر همهٔ مرد، پس همهٔ مردند. و به خاطر همهٔ مرد تا زندگان دیگر نه برای خود، بلکه برای آن کس زیست کنند که به خاطرشان مرد و برخاست (اول قرنتیان ۵: ۱۴-۱۵).

صریح‌ترین شکلی که پولس این تفکرات دربارهٔ محبت را به کار گرفت، در دستوراتش دربارهٔ عطایای روحانی بود. با اینکه روح‌القدس به اشکال شگرفی عطایای خود را به قرنتیان بخشیده بود، اما غرور آنانی که عطایای چشمگیرتری مثل زبان‌ها و نبوت داشتند، باعث شد تا بسیاری از آنانی که عطایای کم‌جلوه‌تری داشتند را بی‌ارزش بشمارند. و یکی از راه‌هایی که پولس امیدوار بود تا این وضعیت را بهبود ببخشد، با اشاره به این نکته بود که تمام عطایا، چشمگیر و غیره، اگر در محبت به کار گرفته نشوند، بی‌استفاده و آزاردهنده هستند. همانطور که او در اول قرنتیان ۱۳: ۱-۲ نوشت:

اگر به زبان‌های آدمیان و فرشتگان سخن گویم، ولی محبت نداشته باشم، زنگی پرصدا و سنجی پر هیاهو بیش نیستم. اگر قدرت نبوت داشته باشم و بتوانم جملهٔ اسرار و معارف را درک کنم، و اگر چنان ایمانی داشته باشم که بتوانم کوه‌ها را جابه‌جا کنم، اما محبت نداشته باشم، هیچم (اول قرنتیان ۱۳: ۱-۲).

نبوت، زبان‌ها، معرفت خارق‌العاده، و ایمان معجزه‌گر، همگی می‌توانند از دیدگاه انسانی بسیار چشمگیر به نظر بیایند. اما در واقعیت، آنها برای منفعت روحانی ایمانداران بخشیده می‌شوند، نه ارزش‌های دنیوی یا لذت استفادهٔ آنها. تا زمانی که عطایای روحانی با محبت استفاده نشوند، برکات روحانی به همراه نخواهند داشت. تنها، وقتی که این عطایا در محبت استفاده شوند، به کلیسا اجازه می‌دهند که در برکات عصر آینده شریک شود و اینگونه، رنج و مرگ عصر حاضر را تسکین می‌دهند.

نتیجه‌گیری

در این درس دیدیم که چطور پولس به مشکلاتی که در کلیسای قرتس به وجود آمده بود، پاسخ داد. پیش‌زمینه ارتباط او با این کلیسا و نیز محتوای نامه‌های کائنی او به آنها را بررسی کردیم. در پایان، دیدیم که پولس چگونه محور الاهیات خود را با فراخوانی ایمانداران به بازنگری در آخرت‌شناسی فرا کامل و در نتیجه توبه از گناهان‌شان به کار گرفت تا فروتنی و احترام به یکدیگر را بیاموزند و تا برای ارج آینده ملکوت خدا امیدوار باشند و تلاش کنند.

وقتی دقت می‌کنیم که پولس چطور مشکلات کلیسای قرتس را مدیریت کرد، متوجه می‌شویم که آخرت‌شناسی او، عنصر اساسی راه‌حل‌های او برای مشکلات آنان بود و نیز اینکه، می‌تواند امروز نیز راهنمای ما باشد. بسیاری از مسیحیان، امروزه نیز درباره خود بیشتر از آنچه هستند فکر می‌کنند و همچنان عطایای‌شان را با غرور به کار می‌گیرند و زندگی‌شان را به احتیاجات و آرزوهای خود معطوف می‌کنند. امروزه نیز کلیساها با تفرقه و دسته‌بندی و گناهان جنسی درگیر هستند. و برخی حتی مکاشفات انبیا و رسولان خدا مانند پولس را نادیده می‌گیرند و تحقیر می‌کنند. اما مسیح، پولس را به عنوان رسول خود نخواند که ما او را نادیده بگیریم، و مسیح برای ما نزیست و نمرد که ما فقط خود را به این دنیای سقوط کرده راضی کنیم. وقتی به محور الاهیات پولس گوش می‌کنیم، درست همانطور که قرتیان را تشویق کرد، ما را نیز تشویق می‌کند تا یکدیگر را محبت کنیم و در حالی که منتظر نتیجه اعصار در بازگشت مسیح هستیم، بر او متمرکز شویم.